

فضائل امام علي (ع) در نزد اهل سنت

ای سروران من ، در مقام ثنا و ستایش شما توان آن را ندارم که فضائلتان را به شماره آورم و درمحدثان به عمق عظمت شما نمی رسم .



" ای سروران من ، در مقام ثنا و ستایش شما توان آن را ندارم که فضائلتان را به شماره آورم و درمحدثان به عمق عظمت شما نمی رسم . " (فرازی از زیارت جامعه کبیره)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) مظهر العجائب و معجزه بزرگ الهی است که عقل ها در شناخت وجوه وجود مقدسش حیرانند و دوست و دشمن مدیحه سرای حضرتش می باشند.

ابن ابی الحدید ، دانشمند سنی مذهب و شارح نهج البلاغه در توصیف امیرالمؤمنین می نویسد: چه گویم درباره مردی که حتی دشمنان و ستیزگران با او هم ، سر به آستان فضائلش فرود آورده اند و انکار مناقب و کتمان فضائل او را تاب نیاوردند ، (سپس با اشاره به مطالب قبلی خود ادامه می دهد) و تو دانستی که بنی امیه (و به ویژه معاویه) چون به حکومت اسلامی در شرق و غرب زمین چیره شدند ، به هر نیرنگی در خاموش کردن نورعلی بن ابی طالب کوشیدند و حقایق را برعلیه او تحریف کردند ، عیب هایی برای او جعل و بر روی منابر لعنش کردند ، مدح گویان او را تهدید کردند ، به حبس کشیدند ، کشتند و از نقل روایاتی که حاوی فضائل و مایه بلند آوازی او می شد جلوگیری نمودند ، تا آنجا که اجازه نمی دادند نام او بر کسی نهاده شود ، اما این حیل ها جز بر والایی و سرافرازی او نیفزود ، همچون مشک که هر چه بر آن سرپوش نهند ، بویش بییچد و چنان خورشید که چهره اش با کف دستی پوشیده نگردد و چون روز روشن که اگر چشم بر آن بیند ، دیدگان بسیاری آن را می بیند. (1) معاویه یکی از یاران نزدیک امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به حضور خواست و از او خواست تا علی (علیه السلام) را توصیف کند.

آن شخص که " ضارّة بن ضمرّة " نام داشت ، در حضور دشمن کینه توز امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصف آن حضرت چنین گفت: " به خدا سوگند که او بسیار دوراندیش و نیرومند بود ، به عدالت سخن می گفت و با قاطعیت کارها را به سرانجام می رساند . علم از جوانب وجودش می جوشید و حکمت از زبانش فرو می ریخت . از زرق و برق دنیا وحشت داشت و با شب و تنهایی آن مانوس بود . بسیار آشک می ریخت و فراوان می اندیشید . لباس زبر و سخت و غذای فقیرانه را می پسندید ، در میان ما همچون یکی از ما بود . اگر چیزی درخواست می کردیم می پذیرفت و اگر از او دعوتی می نمودیم قدم رنجه می نمود . با این همه که به ما نزدیک بود و ما را به خود نزدیک می ساخت ، چندان باهیبت بود که در حضورش جرات سخن گفتن نداشتیم .

آن بزرگوار ، اهل دیانت را بزرگ می شمرد و بینوایان را به خود نزدیک می ساخت . نه نیرومند به باطل در او طمع داشت و نه ناتوان از عدالتش نومید بود . به خدا سوگند یک شب به چشم خود دیدم که به عبادت ایستاده بود و در تاریکی فراگیر شب ، دست به محاسن گرفته و چون مارگزیده به خود می پیچید و چون مصیبت زده می گریست و می گفت: ای دنیا ، دیگری را بفریب . آیا به من رو کرده ای؟ هیئات که من سه طلاقه ات کرده ام و بازگشتی در آن نیست . عمرت کوتاه ، خطرت بزرگ و عیشت ناچیز است ، آه از توشه اندک و سفر دراز و راه ترسناک . " (سفینة البحار 657/2 ، ماده وصف) سخن که بدینجا رسید آشک در چشمان معاویه حلقه زد... اما همین معاویه که فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می شنید و می شناخت به کینه های بدر و احد و به طمع قدرت ، چنان با آن حضرت دشمنی می ورزید که لعن او را در خطابه ها و منابر ، در سراسر کشور بزرگ اسلامی ، لازم الاجرا ساخت و طی بخشنامه ای به امرای خود ، نسبت به هر کس که فضیلتی درباره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نقل کند از خود سلب مسؤولیت نمود . (بدین معنا که حاکمان مناطق مختلف می توانستند هر بلایی بر سر چنین شخصی در آورند)

اکنون شمه ای از فضائل نقل شده امیرالمؤمنین (علیه السلام) را تماماً از کتب برادران اهل سنت می آوریم تا ملاحظه کنید که چگونه خداوند نور خود را تمام می کند و فضائل شخصیتی را که شصت سال در سرزمین اسلام به دستور معاویه بن ابی سفیان لعن او در هر جا واجب شمرده می شد ، منتشر ساخته است .

1- قرآن کریم در سوره بقره ، پس از توصیف پرهیزگاران می فرماید: " آنان بر هدایتی از جانب خداوند قرار دارند و آنان رستگارانند ، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) به علی بن ابی طالب اشاره نموده و به سلمان فرمود: " ای سلمان این مرد و حزب او در قیامت رستگارند . " (4)

2- هنگامی که در شب هجرت رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جای آن حضرت خوابید ، خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: " از مردم کسانی هستند که جان خود را در راه جلب رضایت خداوند تقدیم می دارند و خداوند به بندگان خود رؤف است . " (بقره 207)

از ابن عباس نقل شده که شان نزول این آیه را در مورد آن حضرت دانسته و می افزاید: خداوند در آن شب ، جبرئیل و میکائیل را فرمان داد تا به نزد علی (علیه السلام) فرود آیند . آنگاه جبرئیل گفت: ای پسر ابوطالب چه کسی مانند تو است؟ خداوند به واسطه تو بر فرشتگان مباحثات می ورزد. (3)

3- در آیه 82 سوره " طه " خداوند متعال می فرماید: " و من قطعاً نسبت به کسی که به سویی من بازگشت کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد ، سپس هدایت یابد ، آمرزنده هستم . " با اندک تاملی در متن آیه شریفه ، این سوال به ذهن متبادر می شود که این چگونه شرطی برای دست یافتن به مغفرت الهی و آمرزش است؟ ایمان ، عمل صالح و سپس هدایت یافتگی! مگر پس از ایمان و عمل

صالح، هدایت کامل نگردیده که خداوند آن را به عنوان شرطی مستقل و پس از ایمان و عمل صالح می افزاید؟ پاسخ در تبیین پیامبر اکرم(ص) نهفته است که آیه را چنین توضیح فرمودند: هر کس ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس با ولایت علی بن ابی طالب هدایت یابد.(4)

4- خداوند متعال در سوره "یس" می فرماید: "همه چیز را در امام مبین به شماره در آورده ایم" یعنی علوم همه چیز را در آن جمع کرده ایم. اصحاب از رسول خدا(ص) پرسیدند: آیا منظور تورات، انجیل یا قرآن کریم است؟ حضرت به علی بن ابی طالب اشاره نموده و فرمودند: خیر، امامی که خداوند علم همه چیز را در وجود او نهاده این شخص است.(5)

5- در سوره "تکواثر"، خداوند متعال پس از آنکه زیاده طلبی انسان تا دم مرگ را به او گوشزد می کند، با لحنی شدید، مرگ را به یاد می آورد و هشدار می دهد "هرگز چنین نیست اگر به علم یقینی می دانستید، قطعاً و به یقین در آن روز از نعمت سوال خواهید شد." در تفسیر آیه آخر چنین نقل شده که نعمت مورد سوال، ولایت علی بن ابی طالب است.(6)

6- از پیامبر اکرم نقل شده که فرمودند: "هنگامی که خداوند اولین و آخرین را جمع کند و صراط بر جهنم نصب گردد، هیچکس از آن عبور نخواهد کرد مگر آن کس که براتی حاکی از ولایت علی بن ابی طالب همراه دارد." (7)

7- در آخرین آیه از سوره "رعد"، خدا به پیامبرش تسلی می دهد که اگر کافران می گویند تو پیامبر نیستی، به آنان بگو دو شاهد دارم که مرا کفایت می کنند، الله و کسی که علم الکتاب در نزد اوست. روایات شیعه و بسیاری از روایات اهل سنت، دلالت دارد که شاهد دوم یعنی آن کسی که صاحب علم الکتاب است، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است.(8)

توجه فرمایید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این آیه صاحب علم کتاب معرفی شده و این در حالی است که قرآن کریم در سوره نمل شخصی از یاران سلیمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به عنوان صاحب جزئی از علم کتاب معرفی نموده و بیان می دارد که وی توانست تخت سلطنتی ملکه سبا را در یک چشم بر هم زدن از یمن به بیت المقدس بیاورد و علی بن ابی طالب صاحب تمام این علم است.

آیه مورد بحث، شمه ای از ولایت تکوینی به معنای قدرت تصرف در عالم وجود است که ائمه معصومین (علیهم السلام) دارای آن بوده اند.

پی نوشت ها:

- 1- شرح نهج البلاغه، 17/1.
- 2- شواهد التنزیل، ج 1، صص 69-70/ تاریخ دمشق، ج 2، ص 346.
- 3- مستدرک الصحیحین، ج 3، ص 132/ تاریخ دمشق، ج 1، ص 138- تفسیر فخر رازی - تفسیر طبری - تفسیر قرطبی- احیاء علوم الدین، ج 3، ص 238.
- 4- شواهد التنزیل، ج 1، صص 375-377/ الصواعق المحرقة 91 چاپ مصر- ینابیع المودة باب، ج 36، ص 110.
- 5- ینابیع المودة باب 14، صص 76-77.
- 6- شواهد التنزیل، ج 2، ص 368/ ینابیع المودة 111 و 112.
- 7- مناقب ابن مغازلی 42 / لسان المیزان ابن حجر عقلانی، ج 1، ص 51/ میزان الاعتدال ذهبی، ج 1، ص 28/ الصواعق المحرقة، ص 75/ الریاض النضره محب طبری، ج 3، ص 167.
- 8- شواهد التنزیل، ج 1، صص 307-310/ الاتقان سیوطی، ج 1، ص 13/ ینابیع المودة، ص 102/ تفسیر قرطبی - تفسیر روح المعانی - تفسیر طبری - الله المنثور - تفسیر خازن)

منبع : مطالعات شیعه شناسی